

# نعمت بیکاری

یادداشتی از دکتر علی شاه‌حسینی

هنوز فکر کرده‌اید که بیکاری هم می‌تواند یک فرصت باشد. امروزه در بسیاری از محافل و مهمانی‌ها صحبت از کمبود شغل و آمار بالای بیکاری جوانان است. اگر چه این یک واقعیت است ولی آن قدر هم که می‌گویند تلخ نیست. مدیریت فردی یعنی این که در هر شرایطی و با هر مقدار دارایی بتوانیم بهترین نتیجه را بگیریم.



اگر فعلاً بیکار هستیم، این باور را داشته باشیم که قرار نیست برای همیشه بیکار بمانیم، چون در بین اقوام، دوستان و اهالی محل کسی را سراغ نداریم که مثلاً ۵۰ ساله باشد و هنوز دنبال شغل باشد. بالاخره هر کسی شغلی پیدا می‌کند ولی کیفیت و جذابیت آن شغل بستگی به عوامل مهمی دارد که یکی از آن عوامل نحوه بهره‌گیری و مدیریت دوران بیکاری است. آهای بیکاران! اگر امروز که فرصت داریم، بذری خوبی در ذهن و دل مان بکاریم، بدون شک محصول خوبی را در دوران اشتغال برداشت خواهیم کرد. چگونه؟ صبور باشیم. زمان خیلی چیزها را حل خواهد کرد، گاهی حل مسائل به ظاهر بزرگ و پیچیده، توانایی و هوش زیادی نمی‌خواهد، بلکه کمی زمان می‌خواهد تا آرام‌تر شویم و آن مساله را کوچک‌تر و ساده‌تر ببینیم.



عاشق بمانیم. برای آن چه که دوستش داریم دعا کنیم، بخواهیم و با آن زندگی کنیم و برای رسیدن به آن لحظه‌ای از تفکر، خیال‌پردازی و تصویرسازی دست برنداریم و همچون تمبر که به پاکت نامه می‌چسبد تا رسیدن به مقصد سماجت به خرج دهیم. آمادگی کسب کنیم. چه بسیار افرادی که زمان‌های بیکاری را به دوره کمون تبدیل می‌کنند. یعنی انتظار برای رسیدن به خواسته ولی این دوره را با یادگیری، خودسازی، خودآگاهی و خودباوری سپری می‌کنند. حتماً شما هم تفاوتی چشمگیر قابل هستید بین انسان بیکاری که ساعت خواب منظم دارد، ظاهری آراسته دارد، مطالعه حساب شده دارد، فعالیت‌های خیرخواهانه اجتماعی دارد، صلوات‌حرام و مراودات اجتماعی منطقی دارد و کسی که بیکار است ولی به هم ریخته، نامنظم، منزوی، بی‌حوصله و... شک نکنید که هر دوی این افراد شغلی می‌یابند ولی فرد نخست بدون شک جایگاه برتری خواهد داشت و از رضایت بیشتری بهره خواهد برد. قوی باشیم. نباید به مانند نهالی باشیم که با هر بادی بلرزیم و هر روز به سمتی خم شویم. اگر برنامه علمی برای آینده خود داشته باشیم و فقط در درگاه خدا خم شویم و برای پیدا کردن یک شغل به هر خس و خاشاکی چنگ نزنیم و عزت نفس خودمان را حفظ کنیم، به تدریج به یک اعتماد به نفس می‌رسیم که خواهیم توانست به اهداف خود دست یابیم.



## پنجره خلاقیت، اول و نیمه هرماه منتشر می شود شماره بعدی: نیمه دوم بهمن

اگر می خواهیم بزرگ بودن خود را فراموش نکنیم، بهتر است در حد وسع مان به دیگران کمکی کنیم. آن گاه احساس عزت نفس، اعتماد به نفس و خودباوری در وجودمان غوغا می کند و شاید همان زمان، لحظه پرواز ما باشد.

سختی ها پیام دارند. دقت کرده اید نانوا چطور خمیر نان سنگک را پهن می کند و درون تنور می گذارد؟ توجه کرده اید که خمیر به سنگ ها می چسبد. ولی هر چه نان پخته تر می شود، از سنگ ها جدا می شود به عبارتی سنگ ها نمی توانند به نان بچسبند و نان با قوی کردن خود سنگ ها را از خود می راند.

حکایت آدم ها هم این گونه است، سختی های دنیا، حرارت تنور است که انسان را پخته تر می کند و هر چه انسان پخته تر می شود هم قیمت و ارزش بیشتری پیدا می کند و هم هیچ سنگی به آن نمی چسبد. اگر پخته شویم، حتی مشکلات هم نمی توانند به سمت ما بیایند و خود را به ما بچسبانند چون می دانند ما توان مقابله و حل آن ها را داریم و آن قدر قوی، پخته و باتجربه هستیم که بتوانیم با هر مساله ای مواجه و بر آن غلبه کنیم.



مدیریت قضاوت های دیگران. گاهی قضاوت ها، گفته ها و رفتارهای دیگران ما را تحت تاثیر قرار می دهد و ما برای رهایی از این فشارها، تصمیم هایی می گیریم که پس از مدتی پشیمان می شویم یا برای جبران خسارات وارده باید زمان، انرژی و عمری را هزینه کنیم تا به همان نقطه اول باز گردیم.

اگر ما اصول «مدیریت بر خود» را رعایت کنیم، هیچ گاه محیط نمی تواند روی ما اثر بگذارد و بر خلاف میل ما عمل کند. برای این امر باید این قدرت را داشته باشیم تا دیگران نتوانند قلعه های فکری ما را فتح و به درون ما نفوذ کنند. بنابراین باید از گفتن دردها نزد کسانی که درمان گری نمی دانند یا نمی توانند کاری انجام دهند خودداری کنیم. در دوران بیکاری نباید از خود تصویر انسانی خفیف، ذلیل و درمانده ارائه کنیم. یادمان باشد آن چه شیران را کند روبه مزاج، احتیاج است، احتیاج است، احتیاج.

همواره در نظر بگیریم که این دوران نیز بگذرد ولی مبدا پس از گذر از این دوران و ورود به دوره جدید در نگاه برخی شرمنده به نظر برسیم یا در دوران اوج با به خاطر آوردن برخی رفتارهای خود، احساس سرشکستگی کنیم.

مدیریت دوران بیکاری نیاز به مهارت و هنری دارد که آموختن آن یک ضرورت است.

در بسیاری از موارد افراد بیکار فکر می کنند با کوچک کردن خود و التماس دیگران می توانند به شغلی دست یابند، در صورتی که اگر نیمی از آن انرژی را صرف ساختن خود کنیم، به زودی خیلی ها ما را می خواهند. پس قدرتمندانه و با توکل به خدا این دوران را مدیریت کنیم.

وسیع باشیم. دل مان که گرفت، وقتی خسته شدیم، ناامیدی در حال غلبه بر ما بود، باید برخیزیم، گام برداریم و دست کسی را بگیریم. شاید تعجب کنید که من که خودم افتادام، چطور دست کسی را بگیرم؟ اگر کمی روی نردبان جامعه توجه کنیم، جایی که ما ایستاده ایم، خیلی ها روی پله ای بالاتر از ما ایستاده اند و از طرفی خیلی ها هم روی پله های پایین تر از ما ایستاده اند. چطور ما همواره انتظار داریم تا بالا دستی ها دست ما را بگیرند. آیا هنوز شده فکر کنیم راستی چرا ما دست پایین دستی ها را نمی گیریم، حتی با یک توجه، با یک گوش دادن به درد و دل، با یک احترام، با یک ملاقات و با یک مشورت و...

